

درس هفدهم: خاموشی دریا

چراغدان*: جایی یا ظرفی که در آن چراغ بگذارند.

(چراغدان را هم که همیشه صبورانه در سایه می‌ایستد، از یاد مبر.)

چارپا: چهارپا، مرکب سواری

هیاهو: هنگامه، غوغا، سر و صدا، بانگ (چارپا روی خاک هیاهو می‌کند)

فروتنی: افتادگی، تواضع، خضوع

(هنگامی که در فروتنی، بزرگ باشیم، پیش از همه به آن بزرگ نزدیک شده‌ایم.)

رؤیا: آنچه انسان در خواب ببیند، خواب و خیال

(ممکن از ناممکن می‌پرسد: فائده‌ات کجاست؟ پاسخ می‌آید: در رؤیای یک ناتوان.)

درس هفدهم: تجسم عشق (کنج حکمت)

برزگر*: برزگر، دهقان، کشاورز (برزگری گفت: با ما از «کار» سفن بگو)

شوق: آرزومندی، نیاز، رغبت و علاقه (زنرگی به راستی تاریکی است؛ مگر آنکه شوقی باشد)

تهی: بی‌ارزش، خالی (تنها)

مهر: عشق و دوستی، محبت (کار همیشه تهی است؛ مگر آنکه مهری باشد)

زنهار: آگاه باش، برحذر باش (زنهار، دست از کار بشوید)

واستاندن: بازستاندن، پس گرفتن (آن که با بی‌میلی، قمیری در تنور نهد، نان تلفی و استانند)

تجسم: در نظر آوردن، خیالی را واقعیت دادن (کار، تجسم عشق است!)

گروه‌های مهم املائی

چراغ و چراغدان - تقدیر و سپاسگزاری - غوغا و هیاهو - فروتنی و تواضع - برزگر و

دهقان - تهی و خالی - زنهار و برحذر باش

تاریخ ادبیات

ماه نو و مرغان آواره: رابیندرانات تاگور

پیامبر و دیوانه: جبران خلیل جبران